



غلامعلی بخش رحمتکش

بنیانگذار جلسات سنتی قرائت قرآن کریم در مشهد مقدس مرحوم حاج سید محمد عرب زعفرانی است که در سنه ۱۲۸۳ هـ. ق در زعفرانیه عراق متولد شد و از سال ۱۳۱۴ مسافرت‌هایی به هند و تبت و برخی از بلاد عرب نمود و در علم تجوید و شیوه‌های متداول آن روز به تعلیم و تعلم پرداخت و در سنه ۱۳۴۳ یعنی حدود هشتاد و پنج سال قبل در مشهد رضوی سکونت گزید و مدت بیست سال شاگردان مبرز و ممتازی را تربیت کرد که برخی از آنها عبارتند از: حاج سید حسن درآفشان، ملاعباس قاری، حاج شیخ محمد حسن رضوان (کتیبه نویس آستان قدس رضوی) و مرحوم حافظیان (رحمهم الله). وی پس از عمری تلاش در راه قرآن، عاقبت در سنه ۱۳۶۳ هـ. ق به دیار باقی شتافت. اینجانب که از شاگردان مرحوم حاج شیخ محمد حسن رضوان بودم با جدیت تمام به فراگیری تجوید و علم قرائت پرداختم، به گونه‌ای که پس از گذشت سه-چهار سال، نیابت برخی از جلسات قرائت قرآن را به عهده گرفتم، و در کنار آن به خاطر علاقه زیاد، در سحرگاهان به فراگیری زبان و قواعد عربی در حد امکان پرداختم. این تلاش‌ها زمینه‌ای را فراهم کرد تا سالیان متمادی یعنی حدود ۲۰ سال، در موضوع

رسم الخط بعضی از کلمات قرآن کریم نیز با برخی از اهل فضل و دانش به مباحثه پردازم. اینک در باب رسم الخط معروف است که (خطان لایقاسان، خط العروض و خط القرآن)، منظور از این جمله این است که رسم الخط قرآن کریم توقیفی است و نمی‌شود افراد، مناطق و جمعیت‌ها هر یک به سلیقه خود آن را تغییر دهند. این جمله به منظور حفظ قرآن کریم و دور نگه داشتن رسم الخط آن از سلیقه‌ها و آراء فرق و مذاهب است و رعایت آن هم به نظر می‌رسد نکته بسیار خوبی است که دست اشخاص را از تغییر ظاهر قرآن دور کرده است.

هر چند که اساس توقیفی بودن آن دلیل مستدل و ثابت شده‌ای ندارد و آنچه را که ما در این مقاله در پی اثبات آن هستیم از موضوع این جمله خارج است زیرا این جمله مربوط به رسم الخط قرآن در صدر اول است و مقصود ما در این مقاله مربوط به تغییری است که توسط خطاطان در کلمه ائما در قرن‌های بعد بوجود آمده است.

اینجانب به سبب اهمیت این موضوع و نیز به جهت برخورداری از اتقان و با توجه به اینکه حضرت آیه الله خامنه‌ای (دام ظلّه العالی) در مشهد مقدس که حضور داشتند، خود از قاریان برجسته و علاقمند به جلسات قرائت قرآن بودند و بعضاً در آنها شرکت می‌کردند، در زمان ریاست جمهوری ایشان طی نامه‌ای این موضوع را با ایشان در میان گذاشتم، که در مورخ ۶/۱۲/۶۰ دفتر ارتباطات مردمی ریاست جمهوری نامه‌ای با امضای برادر مکرم جناب آقای مقدم در جواب اینجانب به صورت ذیل به دستم رسید:

برادر محترم آقای غلامعلی بخش زحمتکش
با سلام ضمن تقدیر از دقت نظر و زحمت شما در بسط هنر و فرهنگ اسلامی،
جواب آقای رئیس جمهور را عیناً نقل می‌کنیم.

«متصل نوشتن حرف تأکید و «ما»ی موصول هیچ وجهی ندارد و باید جدا نوشته شود، حرف آقای هاشمی (ادیب) هم بی ربط است و خط قرآن توقیفی نیست. تأکید مردم در عدم تغییر در قرآن موجب شده که اشتباه نفر اول را بعدی‌ها نیز تکرار کنند و حالا وجه هم برای آن بتراشند».

توفیق جنابعالی را در خدمت به اسلام از خداوند متعال خواستاریم.
سپس متنی را تهیه کردم و همراه لیست آخر همین مقاله خدمت ایشان ارسال داشتم

که چنین مرقوم فرمودند:

لیست و مقاله را خواندم. جالب و صحیح بود. خوب است بازنویسی شود و در

مجلات علمی قم چاپ شود و تتبع نسخ باز هم ادامه یابد.

در پی مرقوم شریف حضرت آیه الله خامنه ای - زید عزه - به تحقیقات خود ادامه دادم و اکنون برای روشن شدن بیشتر موضوع با بیان توضیحی مختصر درباره کلمه «انما»، شواهد و نکاتی را در این زمینه یادآور می شوم.

اهل علم و ادب عربی می دانند که انما به دو صورت استعمال می شود:

۱. به صورت «انما» حصر که ان و ما یک کلمه به حساب می آیند و «ما» در آن به اصطلاح «ما» کافه است. و در رسم الخط به صورت متصل «انما» نوشته می شود.
۲. «ان» تأکید است و «ما» موصول، که در اینجا هم در تلفظ و هم در کتابت از هم جداست تا معنای صحیح آن فهمیده شود و «ان ما» با «انما» ی حصر اشتباه نشود. بر این اساس مشاهده کردم در جایی که «ما» موصوله است، (که بر اساس تتبع اینجانب ۱۲ مورد است و لازم است منفصل و جدا تلفظ و کتابت شود) در قرآن هایی که اکنون به چاپ می رسد، در ۸ مورد و گاه بیشتر، این کلمه درست کتابت نشده یعنی به صورت متصل آمده که این اشتباه مربوط به کاتبان و خطاطان است. و این دوازده مورد که باید به صورت ذیل کتابت و قرائت شوند (ان ما) عبارتند از:
سوره آل عمران آیه ۱۷۸: **و لایحسبن الذین کفروا انّ ما نملی لهم خیر لانفسهم**
سوره انعام آیه ۱۳۴: **انّ ما توعدون لآت و ما انتم بمعجزین**
سوره انفال آیه ۴۱: **و اعلموا انّ ما غنمتم من شیء فانّ لله خمسه**
سوره نحل آیه ۹۵: **ولا تشرّوا بعهد الله ثمناً قليلاً انّ ما عند الله هو خیر لکم ان کتتم**

تعلمون

سوره طه آیه ۶۹: **والقی ما فی یمینک تلقف ما صنعوا انّ ما صنعوا کید ساحر**

سوره حج آیه ۶۲: **ذالک بانّ الله هو الحقّ و انّ ما يدعون من دونه هو الباطل**

سوره مؤمنون آیه ۵۵: **ایحسبون انّ ما نملّهم به من مال و بنین**

سوره لقمان آیه ۲۷: **ولو انّ ما فی الارض من شجرة اقلام**

سوره لقمان آیه ۲۹: **ذالک بانّ الله هو الحقّ و انّ ما يدعون من دونه الباطل**

سوره مؤ من آیه ۴۳: لاجرم انّ ما تدعوننی الیه لیس له دعوة

سوره ذاریات آیه ۵: انّ ما توعدون لصادق

سوره مرسلات آیه ۷: انّ ما توعدون لواقع

اینجانب در صدد آن هستم که روشن نمایم، «ما» موصول بعد از انّ و آن باید جدا نوشته شود و نمونه هایی از قرآن های موجود ارائه می شود که در برخی در ۴ آیه و برخی در ۳ آیه جدا از هم آمده و در بقیه موارد مثل «انّما» ی حصر متصل به هم آمده و در قرآن معروف خط عثمان طه نیز تنها در ۳ مورد منفصل آمده است.

موارد منفصل:

۱. انّ ما توعدون لآت . (انعام، ۶/۱۳۴)
۲. و انّ ما يدعون من دونه هو الباطل . (حج، ۲۲/۶۲)
۳. ولو انّ ما فی الارض من شجرة اقلام . (لقمان، ۳۱/۲۷)
۴. و انّ ما يدعون من دونه الباطل . (لقمان، ۳۱/۲۹)

موارد متصل:

۱. انّما نملی لهم خیر لانفسهم . (آل عمران، ۳/۱۷۸)
۲. و اعلموا انّما غنمتم من شیء فانّ لله خمسہ . (انفال، ۸/۴۱)
۳. انّما عند الله هو خیر لکم ان کنتم . (نحل، ۱۶/۹۵)
۴. انّما صنعوا کید ساحر . (طه، ۲۰/۶۹)
۵. انّما نملّهم به من مال و بنین . (مؤمن، ۲۳/۵۵)
۶. لاجرم انّما تدعوننی الیه . (مؤمن، ۴۰/۴۳)
۷. انّما توعدون لصادق . (ذاریات، ۵۱/۵)
۸. انّما توعدون لواقع . (مرسلات، ۷۷/۷)

جهت اثبات این موضوع که این اشتباه مربوط به خطاطان قرآن کریم در قرون متمادی است، به بررسی حدود ۳۰ قرآن خطی مربوط به قرن های ۶ تا ۱۰ از موزه کتابخانه آستان قدس رضوی متعلق به علی بن موسی الرضا(ع) پرداختم. و در این زمینه به شواهدی برخورد کردم که در زیر به آنها اشاره می کنم:

۱. در قرآن های مربوط به قرن های ۸ و ۹ و ۱۰ شش مورد از این موارد که به خط

ثلث، نسخ، رقع، ریحان و... است به صورت منفصل آمده، و در قرآن‌های قرن ۶ و ۷ در یکی ۳ آیه و در دیگری در ۴ آیه منفصل آمده است و بقیه به صورت متصل می‌باشد. که این نمونه‌ها در جدولی ترسیم شده و در آخر مقاله تقدیم علاقه‌مندان می‌شود. گرچه برای تکمیل این تحقیق نیازمند مراجعه به قرآن‌های قبل از قرن ۶ نیز هستیم که برای اینجانب میسور نگشت.

۲. مقایسه برخی از قرآن‌های خطی، مثلاً در قرآن قرن نهم به شماره ۳۰۶ کتابخانه آستان قدس، در آیه ۱۳۴ سوره انعام انما را متصل نوشته و در ۷ مورد از ۱۲ مورد منفصل و یا در قرآن شماره ۲۸۵ مربوط به حدود قرن دهم تمام ۱۲ آیه را متصل نوشته که از مقایسه این دو قرآن روشن می‌شود، این اشتباه مربوط به خطاطان است.

۳. در برخی موارد خطاطان متذکر این نکته نیز شده‌اند از جمله در حاشیه قرآن شماره ۱۵۰۲ مربوط به قرن دهم که به خط محمود بن احمد نیریزی است و متن به خط نسخ و ترجمه فارسی به خط نستعلیق باشنگرف می‌باشد، در حاشیه آیه ۲۹ سوره لقمان نوشته است: **مقطوع بالانفاق**، و نیز در حاشیه آیه ۹۵ سوره نحل نوشته است: **و الوصل اکثر**. و در حاشیه آیه ۴۱ سوره انفال نیز نوشته است: **و الوصل اثبت**. و در حاشیه آیه ۱۳۴ سوره انعام نوشته است: **ان ما ق مقطوع اجماعاً**.

۴. در قرآن شماره ۲۹۸ موزه، در آیه ۲۷ سوره لقمان ابتدا متصل نوشته شده سپس قلم گرفته شده و منفصل کتابت شده است.

۵. در برخی تفاسیر نیز این موضوع مورد توجه بوده است از جمله در تفسیر صافی چاپ سال ۱۳۳۴ در تمام ۱۲ آیه به صورت منفصل آمده است و در چاپ سال ۱۳۹۹ پنج جلدی، دو مورد متصل و بقیه منفصل آمده است.

۶. در یکی از قرآن‌های چاپی موزه آستان قدس رضوی با «طبع باشراف دیوان الاوقاف فی بغداد سنه ۱۳۹۱»، در ۴ آیه منفصل و ۸ آیه متصل چاپ شده، لکن زیر «ما»ی موصول آیه ۶۲ سوره حج نوشته شده: **مقطوع**.

یادآوری:

۱. در مواردی که «ما»ی موصول بعد از حرف تأکید، به صورت متصل آمده، متأسفانه

در قرائت هم رعایت جدایی آن نمی‌شود که باید به اینکه نکته توجه کرد و مثل این است که ما «انما» حصری را جدا از هم تلفظ کنیم و به معنای حصری آن توجه نکنیم که به معنای آیه خلل وارد خواهد کرد.

۲. لازم به یادآوری است که شماره آیات در قرآن‌ها بعضاً اختلاف دارد و ممکن است یکی دو آیه با هم متفاوت باشند و بعضاً دیده شده که در آیه ۱۷۸ سوره آل عمران تا ۵ آیه هم شماره اختلاف داشته است.

۳. در خاتمه از صاحب نظران، به ویژه اهل فضل و علم در حوزه‌های علمیه تقاضا دارم به آنچه نوشته‌ام توجه و دقت کافی داشته باشند زیرا اولاً دغدغه چندین ساله اینجانب بوده، ولی به جهاتی مطرح نکرده‌ام و ثانیاً به صورت یک نظریه است و تقاضای راهنمایی و توجه دقیق دارم و قطعاً نظرات شما بزرگواران برای اینجانب سودمند خواهد بود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

در این جدول (-) علامت منفصل و (+) علامه متصل

ردیف	نماره ثبت کتابخانه انتشار قدس	رسم الخط	سال کتابت	مشخصات قرآن‌ها													
				جمع	۱۱ آیه ۷ سوره مومنان	۱۱ آیه ۵ سوره نازعات	۱۰ آیه ۴۲ سوره مؤمنون	۱۱ آیه ۱۱ سوره لقمان	۱۷ آیه ۱۷ سوره لقمان	۱۷ آیه ۵۵ سوره مؤمنون	۱۱ آیه ۱۱ سوره حج	۱۱ آیه ۵ سوره طه	۱۵ آیه ۵ سوره نمل	۴۱ آیه ۴۱ سوره انفال	۱۲ آیه ۱۲ سوره انفال	۱۲ آیه ۱۲ سوره انفال	۱۷۸ آیه ۱۷۸ سوره آل عمران
۱	۲۰	کوفی	قرن هشتم	+	-	+	-	-	-	+	-	+	+	+	+	+	
۲	۸۴	کوفی	قرن هفتم	-	-	+	-	-	-	+	-	+	+	+	-	-	
۳	۱۸۸	ثلث	قرن هشتم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۴	۱۸۹	نسخ - ثلث	قرن هشتم	-	-	+	-	-	-	+	-	+	+	-	-	-	
۵	۲۸۰	نسخ خوش	قرن هشتم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۶	۲۵۱	نسخ - ریحان ثلث	قرن هشتم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۷	۱۲۲	نسخ جنی	قرن هشتم	+	+	+	-	-	-	+	+	+	+	+	+	+	
۸	۲۱۵	ریحان جلی	قرن نهم	+	+	+	+	-	-	+	-	+	+	+	+	+	
۹	۱۶۴	نسخ - ثلث - رقع	قرن نهم	+	+	+	-	-	-	+	-	+	+	-	-	-	
۱۰	۲۲۶	ثلث - نسخ	قرن نهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۱	۱۷۲	ریحان	قرن نهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۲	۱۶۱	ثلث - نسخ	قرن نهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۳	۱۶۲	ثلث - نسخ	قرن نهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۴	۱۶۶	ثلث ترکستانی	قرن نهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۵	۲۱۸	نسخ	قرن نهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۶	۱۵۸/۲۰۱	ثلث - نسخ	قرن نهم	-	-	+	-	-	-	+	+	+	+	-	-	-	
۱۷	۱۰۷/۱۵۵	ثلث	قرن نهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۸	۲۱۰	نسخ - ثلث	قرن نهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۱۹	۱۲۷/۱۸۵	ثلث خوش	حدود دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۰	۲۲۶	نسخ	انوار دهم و انوار یازدهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۱	۲۱۱	نسخ - ثلث	حدود دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۲	۲۷۶	نسخ - ثلث - خوش	حدود دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۳	۲۱۲	نسخ - ثلث	انوار دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۴	۱۶۸	نسخ - ثلث - رقع	قرن دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۵	۱۸۶	نسخ - ثلث - رقع	حدود دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۶	۱۱۱	ثلث	قرن دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۷	۱۱۲	ریحان - خوش	قرن دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۸	۱۵۶	نسخ - ثلث - رقع	قرن دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۲۹	۱۵۴	نسخ - ثلث - رقع	قرن دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
۳۰	۱۵۰	نسخ	قرن دهم	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	+	
جمع				۱۰ متصل	۱۷ متصل	۲۷ متصل	۲۷ متصل	۲۹ متصل	۱۰ متصل	۲۰ متصل	۲۹ متصل	۱۱ متصل	۱۸ متصل	۲۹ متصل	۱۸ متصل	۱۲ متصل	۲۸ متصل